

50, 0, 0

جلد ۵، صفحہ ۵۰، ۵۱ و ۵۲، حضرت رفیقہ سیدہ فاطمہؓ سے منقول ہے، ص ۱۵

دستخط: ادارہ برائے دعوتِ اسلامیہ

① | ترجمہ، حدیث نمبر ۱۰۰۰
بہ عین معنی و الفاظ تقریباً ہے

② [ماہ ۱ | باتفاق آراء تقریباً ہے]

③ | درجہ ۱ | کتب، کتب، حدیث نمبر ۱۰۰۰
تقریباً ہے، بہ عین معنی و الفاظ

④ | درجہ ۲ | باتفاق آراء تقریباً ہے]

⑤ [باتفاق آراء، حدیث نمبر ۱۰۰۰ | بہ اول ماہ ۱۰۰۰ |
بہ عین معنی و الفاظ تقریباً ہے]

⑥ | پرانہ آراء، حدیث نمبر ۱۰۰۰ | بہ عین معنی و الفاظ تقریباً ہے]

⑦ | بہ عین معنی و الفاظ تقریباً ہے]

⑧ [آرائر ساجھنا سُجود سے آرائر جہت
 ؟ آرائر زلفق تقریب]

⑨ [آرائر ساجھنا سُجود سے آرائر زلفق جہت آله
 ؟ آرائر تقریب]

تیسری سطور
 ؟ آرائر مع ، درگتوہ کریم -
 آرائر ساجھنا سُجود سے آرائر زلفق جہت آله
 ؟ آرائر زلفق تقریب]

⑩ [شرط ساجھنا سُجود سے آرائر زلفق جہت آله
 ؟ آرائر زلفق تقریب]

⑪ [مراد آدہ سُجود سے آرائر زلفق تقریب
 ؟ آرائر زلفق تقریب]

⑫ [شرط ساجھنا سُجود سے آرائر زلفق جہت آله
 ؟ آرائر زلفق تقریب]

۱۵/۵/۵۰

محمد

رای من در مورد ماده ۵

۱۱- برای تحقق نتایجی توده (کی مردم) ، جامعه مادر همه کی کو نالون حیات
 اجتماعی به یک تحول انقلابی - دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است.
 انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه ، فصلت نهاد داری و ارزش
 نیروی طبقاتی ، نمی تواند در مرحله ملی ، دموکراتیک قرار دارد و انقلابی
 است ضد امپریالیستی و دموکراتیک باگرایش ضد سرمایه داری .

دموکراتیک کردن حیات سیاسی - اقتصادی - اجتماعی جامعه یعنی : تأمین
 آزادی و حقوق دموکراتیک حلق ، براندازی کلان سرمایه داری ،
 احیای ساختار کی ماقبل سرمایه داری و تجدید مردم عرضه و تقاضای بورژوازی
 قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم و مبارزه مستمر با نفوذ آن ؛ ارسایی ترین
 وظیف انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک ایران است که می باید در درازت
 سوسیالیسم انجام پذیرند .

شرط مقدم پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک سرنگونی رژیم ج.ا.
 و استوار ساختن حکومت انقلابی و دموکراتیک حلق است .

(۱۴) [كل ماره ۴ بار زنده شو
 ۶۰ بار اوق تو بگو]

(۱۵) [كل ماره ۴ بار زنده شو : با توفیق اگر از قبر برآی]

(۱۶) | شرط قسم گفتن الله - نبی شرط قسم بردن الله -
 به سه بار بر آئین تو بگو]

(۱۷) [شرط ضرور بردن الله -
 ۸ بار زنده شو]

رسید : من به داد می خاتم زرا کون الله - بر این دارا هست صبر - در همین ماه را بگو از طرف انوار
 و حقوق در کراکیم دم با کمدت احوال رسک ، از ان الله به این کمد در این فرود این چیست نشد ،
 من به این ماه را زنده شو .

رسید : صبر - کمد را کمد - کمدت در تقویم هجری
 ۲ ۳ ۵

۱۸ | سلطه ۸ - کتب کرامت و امام در برزخ کفر و فسق
با سایر مراجع تقریب است

۱۹ | نقطه تفرقه در بیعت کربلا چه بود؟

۲۰ | در سال ۵ سلطه ۱۲ « رژیم جهاد اسلام »
کار دارد « حذف شود »
با سایر مراجع تقریب است

۲۱ | « رژیم جهاد اسلام »
با این که « اول ۶ ده به دست آمد »
به تفکک از امام تقریب است

۲۲ | سلطه ۱۰ و « امام ضد - برائت است »
با سایر مراجع تقریب است

۲۳ | « نقطه تفرقه در ولایت فقیه است نه کتب »
در کتب کفر و فاساد این تفکر تنها در طریقه عمل آن کتب است
صل تفکر این فصل با رژیم جهاد اسلام (برادری فقهی) است
با سایر مراجع تقریب است

۲۴ | « غیر تاریخ و کتب فقهی از این درصحات است »
« این امر است » حذف شود
با سایر مراجع تقریب است

۲۵) ~~تعمیر~~ و آنچه آن بود «دانش افتد کدر»
به تفیق آرا را تقریب است

۲۶) نقطه تیز عمده در بیان اثر «صاف گو»
با ع در مراقب تقریب است

۲۷) ^{درست} «حرف کرم»
با ع در مراقب تقریب است

سوا ۷
عمده تیز رنگین ← «ایزک جهان برکت» — که سزا از راه —
تقریب است

۲۸) عمده تیز رنگین ← رنگین عمده
با ع در مراقب تقریب است

۲۹) صفت آرایش تیز ^{صوفی} آرایش
با ع در مراقب تقریب است

۳۰) صفت آرایش تیز مردم آرایش
با ع در مراقب تقریب است

(۲۱) [کل ما رہ ۵ اے گزرفہ ہو ۔
 ۷ بار موافق تقریب سے]

تقریب: لعلت اللہ سرد زینتہ دہدہ ~~میں~~ منع قسم

۱- پہلے: = = = =

۲- کہ: = = = =

بارہ ۶

(۲۲) [بہ اتنا دینا سیرا - - افانہ کو «انقواد بہ توفیق لیرال فخری رنہ تا سیر بہ زوار برہمان»
 ۶ بار موافق تقریب سے]

(۲۳) [عین مصر بہ آف بند شغل کو جگاتی
 ۹ بار موافق تقریب سے]

(۲۴) [کل ما رہ ۶ اے گزرفہ ہو
 باتفاق آراد تقریب سے]

بارہ ۷

(۲۵) [سیرا طہاتے ← سیرا طہاتے آدریز
 ۹ بار موافق تقریب سے]

۳۶) [«سنگین» به معنی قوی ... «نوع مستحب» بدانند «آیه شریفه»
 ۷ بار در اتمین تقویم است

۳۷) [به آفریننده ۸ افزاید «در اتمین تقویم» در اتمین تقویم است
 ۳ بار در اتمین تقویم است

۳۸) [به آفریننده ۷ «مستحب» در اتمین تقویم است
 ۸ بار در اتمین تقویم است

۳۹) [«همین هر برودن در این آیه» حذف شود و بقیه آفریننده ۷ مستحب است، به از هر که در آیه افزاید
 ۳ بار در اتمین تقویم است

۴۰) [«و» «تیسر شد» «تا» و «بخوان» «بخوان»
 ۳ بار در اتمین تقویم است

۴۱) [حذف شود: «و» برودن در این آیه - و «بخوان»
 ۳ بار در اتمین تقویم است

۴۲) [«بخوان» - «تیسر شد» «تیسر شد» «بخوان» «بخوان»
 «همین هر برودن در این آیه» (حالت در کتاب و اعتقاد برودن در آیه است)

«در اتمین تقویم ۷ بار فقط در این آیه است»

۴۳ ["تبریران" با "تبریران" حذف شود.]
با "تبریران" حذف شود.

۴۴ "جبهه واحد" "تبریران" ؟ "یک صبه" ؟
با "تبریران" حذف شود.

۴۵ ["جبهه واحد" "تبریران" ؟ "یک صبه واحد"]
با "تبریران" حذف شود.

۴۶ "کله" "تبریران" حذف شود.
با "تبریران" حذف شود.

۴۷

تایید آراء
کتاب ماده تقریباً انضمامی است.

٤٨

کتابت نامه ٧ ~~در بیان سبب و اثر آن در لغت~~
تقریب

رضی عن - مدین است سر سبز و بسیار شیرین لغت و مبرور و سرگشته دار تمسح دار

رضی عن - با صفا نغمه را بر این است در مهند و مبرور و هفت روزه در این سبب مبرور

بسیار آتش را این سبب دارند

بلاستنی نامه ٧ فقط و در این باره و غیره در این است در این تقریب لغت و در این است

٤٩

کتابت نامه ٨ را این کبر (در این نام در است)

تذکره محمد: مشارع ادبی تذکره دار

- آنتان آرا و تقریب

۱- مراد ۱۲ در ۵ کبر در ۲۰

خرف شو "گرچه" ط ۱

" کبریتیم

ماره ۲- ۵ " براتفاق خود شکر تو را بر سر من و ... در صحرای خراسان ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۶ " پیر از بکار بود : واقعه است ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۱ " آذربایجان - ط ۱ " آذربایجان ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۹ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۱۰ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

صدمه نینا ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۱۱

۱۱ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۱۸ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۱۹ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۲۵ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۲۶ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۲۸ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

۲۹ " ... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

تورق

عمره ...

... در کتب معتبره در شیخ بهایی ...

پیر از ...

Handwritten scribbles and marks at the bottom left of the page.

(P1) 10,6
 (E9) 10,6
 (O) -
 (O) +

	(P1)	(E9)	(O)	(O)	(V3)	(B3)	(33)	(P3)	(R3)	(S3)	(B2)	(V2)	(N2)	(D2)	(E2)	(C2)	(U2)	(R2)	(P2)	(L2)	(S2)	(R1)	(P1)	(L1)	(S1)	(R0)	(P0)	(L0)	(S0)	
10,6	+	+	+	0	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
10,6	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
-	-	-	+	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+

Handwritten notes in the middle of the table, possibly indicating a specific row or column.

(۵۰) - بجا روضه اول بند ۹ " اتحادیه ها و تحریریه انقلاب - در رأس درجه بندی
مقررات

(۵۱) ~~مقررات~~ " این بار در ارفاق دوم اضافه شود و بعد از اتحادیه ها

در رده برانتر ادو سقتر از هر چه بقدرت اتساع " اضافه شود

لقریب نه - (۵ رارشت)

(۵۲) آزاد ریدر در کراس
با عیار لقریب

رفتن ایر در حالت با شیار رفت : چون شیار واضح نیست و رکنه استن نیز در آن قرار
آزادیت من مخالفم . در این حالت در کراس نیز شیارها را هم در رسم با هر چه قدر
صفت رفتی رسم در سر در باره ۹

من از نظر رسم با یاد ۹ در این قسمت مخالفم - اولی رسم شده همه بجهت
است که در این حالت گذاشته است - علت رسم به آن است که آن را
به رسم بر رسم است از این نظر مخالفم

صافق = مخالف است . رسم این است که هر چه قدر رفتن را از سنه استر استر با هر چه
و این صفت را بر سر از اصلاح استر استر با هر چه . اگر به من عیب و ایراد
صفت را در این حالت تا آنکه در رسم با هر چه در رسم با هر چه در رسم با هر چه

فقط ما که میگردیم در این زمین سوخته شده است

رفتی بهرام : من خانی که در این عالم - این سخن قصه است . عجب کینه منی در این جاذبه است

دردم این است که بگویم بنده را از بند بترسم عزف کرده است

صن = من می دانم - در این عالم در وقت ما در این عالم گفتند . با این امید قدرت همه هرگز در این

در آن زمان که بودیم تا آن زمان تا آن زمان که چنین خواهد بود

راز کبر در هر جا که ۹

ما را می گفتند

راز کبر در هر جا که ۱۰

۱۰ به آنسان آما و گفتند

ر. ه. م. م.

طرح استراتژی و تاکتیک

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۴ مرداد ۱۳۶۵

برای انقلاب ملی و دموکراتیک ایران

۱- بر اثر فرمهای شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیوند ارگانیک با امپریالیسم جهانی

به سرعت رشد کرد و به مناسبات غالب در کشور ما مبدل گشت . در این روند ، تضاد کار و سرمایه به تضاد اصلی جامعه تبدیل شد و تضاد خلق و امپریالیسم تشدید گردید .

در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه داری شیوه غالب و استثمار سرمایه داری شکل اصلی تصاحب دسترنج کارگران و زحمتکشان است ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری وجود دارد .

۲- آماج غائی سازمان ما استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در ایران است . سوسیالیسم تنها نظامی است

۴

که قادر است کارگران و زحمتکشان را از بندهای اسارت سرمایه رهائی بخشد ، به استثمار انسان از انسان

خاتمه دهد و راه رشد همه جانبه و شتابنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی

مادی و معنوی زحمتکشان را تامین کند . سازمان در راه دست یابی به این آماج مبارزه می کند .

برای تحقق اهداف خود ، در هر مرحله از حرکت ، در هر گام از راه ، در هر مرحله از مبارزه ،

۳- انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه ، خصمیت تضادهای و آرایش سیاسی - طبقاتی نیروهای

۵

آن کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد .

تأمین صلح ، تأمین آزادی و حقوق دموکراتیک مردم ، جدائی دین از دولت ، شناسائی حق تعیین سرنوشت

خلقها ، براندازی کلان سرمایه داری ، بزرگ مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری ، گسترش

بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی - اقتصادی

، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم ، اتخاذ سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظایف انقلاب

ملی و دموکراتیک ایران است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند . شرط ضروری پیشرفت این مبارزه

سرمه در برابر سرمایه رانان محال نیست . طبقات و اقشار در هر مرحله از راه و دستاوردهای آن ، نقش مهمی ایفا می کند .

۴- مردم میهن ما برای تأمین استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی علیه حکومت دست نشانده شاه پیا

۲

خاستند و قهرمانان آن را به زیر کشیدند . انقلاب بهمن گرچه رژیم سلطنتی ، لایه بالائی سرمایه وابسته و

و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را بر انداخت ولی در نتیجه انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی

دستاوردهای دموکراتیک و مردمی انقلاب نه تنها گسترش نیافت بلکه آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت.

۵- حفظ وابستگی اقتصادی کشور و سیاست نزدیکی به امپریالیسم ، دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان سیاست های جنگ افروزانه و پان اسلامیستی رژیم جمهوری اسلامی و بویژه خصلت تکراتیک آن موجب تشدید بحران اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه ما شده است . بحرانی که ریشه آن اساسا در نظام سرمایه داری و وابستگی آن به امپریالیسم نهفته است . تضاد بین رژیم جمهوری اسلامی با طبقه کارگر ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی هرروز عمق و دامنه بیشتری پیدا می کند . ادامه جنگ و حکومت استبدادی روحانیون نارضائی و مخالفت بخشهایی از بورژوازی ملی را نیز برانگیخته است . ^(۲۸) عمده ترین دشمنان ^{عمر آدم} خلق های ایران در مرحله کنونی عبارتند از : ^(۲۹) حکومت جمهوری اسلامی ، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا . نقطه ستیز

عمده و به بیان دیگر دشمن عمده ای که تنها از راه درهم کوبیدن آن راه تحقیق خواست های ضد امپریالیستی

۱۱- دموکراتیک خلقهای کشور ما هموار میگردد رژیم جمهوری اسلامی (ولایت فقیه) است . رژیم جمهوری اسلامی

رژیمی است بورژوائی و تکراتیک ، دارای خصلت عمیقاً ارتجاعی ، ضد خلقی و ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی

۲۰- اسلامی بیش از همه مفاوح روحانیت و بورژوازی تجاری را تامین می کند . رژیم جمهوری اسلامی سد راه تکامل

و هرگونه تحول دموکراتیک جامعه ماست . سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی عاجلترین وظیفه ایست که در مقابل

نیروهای انقلابی و دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران قرار دارد .

برای تحقق خواسته های توده های مردم جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی

دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است .

شرط مقدم تحقق انقلاب ملی دموکراتیک سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات و اقشار

ضروری است

دموکراتیک و انقلابی جامعه ما است .

۶- نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران عبارتند از : طبقه کارگر ، دهقانان ، خرده بورژوازی

شهری و روشنفکران خلقی . اتحاد این نیروها برای انجام تحول انقلابی جامعه ضروری است . طبقه کارگر

آر. ف. س. ا. س.

انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. لایه های پائینی بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دموکراتیک ذینفع اند، اما قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند. ^{خوشگوار، پیر، سید نزار، مردانی، براتی، کرمانی، صمدی، مزرعی} ^{خود را می بیند} ^{و انزاد بر سران لیرال د}

۷- در انقلاب ملی و دموکراتیک علاوه بر طبقه کارگر ^{ملک} نیروهای طبقاتی شریک و ذینفع هستند و ^ش تلا می کنند سرکردگی خود را در انقلاب تامین نمایند. سرنوشت انقلاب با امر سرکردگی آن گره می خورد. پیشرفت

پیگیری به فرجام رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در گرو تامین رهبری پرولتاریا در این انقلاب و قرار گرفتن پیشاهنگ طبقه کارگر در رأس قدرت سیاسی است. تامین سرکردگی مستلزم آنست که طبقه کارگر متحد شود

، بورژوازی لیبرال را منفرد و ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی را خنثی سازد و بتواند توده دهقانان، خرده- بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی را بسوی خود جلب کند. سازمان ما با تمام قوا در راه تامین رهبری پرولتاریا

در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، بمثابه اساسی ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه می کند.

۸- مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات خلق تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در

راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران، مبارزه در راه تامین اتحاد همه نیروهای مرفقی، دموکراتیک و انقلابی در جبهه واحد و تبدیل آن به آنترانسیون رژیم از عمده ترین وظایف استراتژیک -

سازمان در مرحله کنونی و به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دولت دموکراتیک و انقلابی است. ^{این حکایت بر اساس اراده و مصلحت مردم دهقانان} ^{این حکایت بر اساس اراده و مصلحت مردم دهقانان} ^{این حکایت بر اساس اراده و مصلحت مردم دهقانان}

شهری و روشنفکران خلقی که باید برنامه طبقه کارگر برای انقلاب ملی و دموکراتیک را به اجرا بگذارد. درجه پیگیری این دولت در اجرای برنامه مذکور با میزان سهم و نقش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این دولت بستگی می یابد.

۹- اتحاد نیروهای محرکه انقلاب ملی - دموکراتیک ایران که استخوانبندی آن را اتحاد کارگران و دهقانان

تشکیل می دهد لازمه تحقق این انقلاب است. تامین این اتحاد از وظایف اساسی پیشاهنگ طبقه کارگر است

در شرایط کنونی که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آماج مقدم جنبش است، تامین اتحاد گسترده ای از نیروهای انقلابی، دموکراتیک و مرفقی کشور، که خواهان صلح، آزادی و سرنگونی رژیم هستند در یک جبهه واحد ضرورت عاجل دارد.

اتحاد نیروهای محرکه انقلاب شالوده این جبهه است. جبهه واحد بر اساس برنامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می گیرد تشکیل می شود. سازمان

برنامه خود را بعنوان برنامه این جبهه پیشنهاد می کند.

در راه رسیدن به این جبهه سازمان از تامین و گسترش همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ترقیخواه کشور

علیه رژیم استقبال می کند.

۱۰- رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است. تنها راه انتقال قدرت به سوی مردم اعمال قهر است. از آن آگاهان و خشنان بوده ای خلق را برای مبارزه سیاسی به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تأمین آزادی و صلح در سراسر کشور می توان استمال مسالمت آمیز و قهرآمیز مبارزه را بکار گرفت.

بعد از تمام طلب طریح - حلب هیس برین عهده نشانی رکنه در کتب قدسیه

تاریخ ~~۱۲۶۵~~ سنح (۵) مرداد ۱۲۶۵

رضی صادق - اکنون شده است اسرار نام در دست دار آورده است درین مورد رتبه راه جدا می آید
که سینه رکنه بتزنی همراه با زبان و سایر چیزها تقصیر کنیم رتبه در راه، هرگاه کسند و فرود آید
آنرا لقمه بگیریم .

نشرها رها :

۱- سینه و فرود این است : سن کسند در نام گذار در دست باشند و صحیح است که در هر دست
تا از نظر مغز در دست نظر در آوریم - قن از اسباب نام بدیدر رتبه تا از دست عملی را که
اساس است در جنبه چاپ سوز در برین کسند و سایر لقمه بگیریم . ما با اسرار که ما و فرود
حیرت را قائلند اسباب سنح - کله " در کراسی " " صفت " " در راه " ما هم در دست
نباشند .

۲- رضی نفس = زن تا سوزیم که درین نام نهاد نام است در مغز آن در دست قرار داریم و در دست

تا در دست از اقصاف داریم . نظر رضی صادق در مورد تا از سبب که در دست است و در همین

باید " حاکم است " در کراسی " در راه " ما با اسرار " در این نام

نماستند این نام است که سوز در دست را از دست ما خارج ساخت ما با اسرار
بگیریم ، کله " در دست " .

۳- رضی کبیر - راه من این است که امر کرب کسند که صفت " در دست " در دست کسند که ما

حیرت است . کله " در دست " در راه " ما با اسرار " کله " در دست " .

گرام آن است که در فایده ما اشکات سنگین که در دستهای او حق ما کفایت است

هر این همه را با در همه نه خلق که در دستهای او حق ما کفایت است

منه سمی خاکری در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

استدها در دستهای او حق است - راست هم صورت من در دست

بغز او در من با هر دو (هم در دست هم در دست) هر دو در

همین - من از ستم که در خاکری در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

منتر اند ما در این صاف و با ستم که از هزار آن دست

و امر با ستم که از هزار آن دست

است ، شرطی که در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

که ضعیف و هر صاف و با ستم که از هزار آن دست

و در خاکری در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

که در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

که در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

که در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

که در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

که در دستهای او الفلاسین که از هزار آن دست

چشمه سیراب است که می‌آید از باطن و در است و درین می‌کند .

رنگه = لوله چاه آغزی دارد و خبر تیغ فراموش کرد که از نظر فواید نامشروع فرمی باشد
که مخرج و احوال در نظر مار ایستاده است من از آن استغنی نمودم با هر روز می‌کردم ، فیروز با حرکت
مکرمه حتی است ، ~~چشمه سیراب~~ چشمه سیراب نام آن است که در میان در است
این نام این مخرج را دارد که در هر جهت گامی دارد در دل لفظه در است
استغنی شد و ندانست .

و در هم : من بیخود می‌گویم و درین است که من از نظر سیراب این در نام را کامله از نظر مخرج
کسی می‌داند . من حق استیغنی فرمودم که غنی است به توانم از نظر سیراب و من هنوز در بیخود
اصداف ما بر خفا دارم . من می‌دانم که جامع به نام دست مخرج من فقط در میان
کنند که هر دو . نشانتا مخرج و فصلی دارد که تا قدر ما تقسیم استغنی است سیراب
سیراب را در آن استغنی دارد آن وقت کنند . آن عهد را که ~~می‌گویند~~
که حجاب ، فتنه و در استغنی را به ~~کند نفس~~ دست است و در استغنی
علامه مخرج نام تا در خفا هر وقت که مارا افاضه کرده است . سیراب در استغنی
تیراب به نفس مخرج را به در خفا با ضرب جود که در استغنی است . من سیراب این
نظم بر قطره ای که در استغنی را در استغنی است سیراب مخرج است در سر در خفا
سیراب تا شد سیراب .

رحمن : شداد تفردن فاعل امر است نامها در سبب استادت برادرها با هم نه از رفقا

منه که بر این علاج بر بدست این است که حاکم صفت را آخر قع با بقیم در سبب
علاج بر این دانی نام صحتی متفریب و وقت بر رسته تحت قارب و در اسم
من هنر ز صبح و در سبب اندام که فرا مانا بدین سقار را در هم .

رفیق بدام : من استاد یار صفت را فاعل امر است (هر دو نام یکی است) اول بیابان است و اگر استاد

یا ناید بر با صفت صفتی مدانم . من را در وقت حتما ده است و اگر هم در است
و در آن جهت در این صفت را اندام کنند و ما باید که کار کنیم تا شداد حد کنیم . چون این نام
شاید تا بیشتر کنند . من هم در هر وقت است و در این است و در صفت صفت است

را حیات : من اول در وقت صفت صفت را از اندام و در هر وقت در این است
که اول در وقت صفت و این صفت را از اندام فرستاده اند . در وقت صفت هم همین است

آدم صفت در وقت صفت و در وقت صفت است . و این صفت را در وقت صفت . اما از
تفرستند : هر چه حاکم صفتی که از این اعمال آن است در وقت صفت است

هر صفتی که در وقت صفت است که در وقت صفت است که در وقت صفت است . و در وقت
تفرستند : هر چه حاکم صفتی که از این اعمال آن است در وقت صفت است

رفیق کور حوت : من اول در وقت صفت صفتی که از این اعمال آن است در وقت صفت است

آدم صفت در وقت صفت و در وقت صفت است که در وقت صفت است . و در وقت
تفرستند : هر چه حاکم صفتی که از این اعمال آن است در وقت صفت است

اما شایسته آنست که در صورتی باشد که بعضی باشد مگر ستم تا آنکه فراموشی

و در آنست که حق را با علم تر نسائیم منتهی در راه همین حال صیارت دارد و بعد هم در راه

تغذیه هم . مگر ستم به محبت است همسند مگر ستم به نام محبت .

سند در تصرف بود پس است که بقدر دور در سرادق است اقداف با ستم مراغه است

در راه است به با محبت بعد بدتر هم در سرادق است این کار بود با ستم است که با ستم

از دست این نام را علاج ستم تا بعداً دست هر چه بود بر قرار دهند من تمام

رضی فردوس : اما آن که ستم شده است - دولت سر را استیلا شده است که در ستم علاج

شده محبت نیز آن دولت بود . حاکمیت حق هم نیز در راه ستم بود

که حاکمیت است که در حق را در دوزخ بازنه است یعنی همانند حیدر بود است

سفا حاکمیت است که در سر را استیلا فلان را از ستم بعضی وقتها ستم نیز به نام خود در است

من ستم است ستم را از ستم منع است که حاکمیت است این نام را ستم برده است من حق

دست ستم - از حدیث اگر ستم است در این است ستم در ستم است

زائر : سفا حاکمیت حق ستمترین و ستمترین است سفا حاکمیت که ستم را در ستم است

رضی فردوس تا در ستم است که ستم است استاده فراهند کردند

در راه هر یک از ستم است که در ستم است که در ستم است که در ستم است

در راه هر یک از ستم است که در ستم است که در ستم است که در ستم است

حق ستم است ، از دماغ است که در ستم است که در ستم است که در ستم است

دین من نظر فرود برور - دین کا وقت این است کہ عدم اختیار
کتاب بهم و هر دو در محبت و کرامت است که ایما شدیم در هر دو طرف

اسیر شدیم - وقت ما منظر قریب کردیم و دستگیر نمودند و خطه شریف را
بفرستادند - من هر چه حیرت منم ناصی را آفریدم شهادت درام بهترین مدایم

~~من از این طبع است~~ و هر جا را تا دلت دارم و دین تا در حکم طراح منم

من هم ابتدا به این طبع است و هم به حسن و در سر هم دل بی حاکمیت حق هرگز در اختیار دارم

رضایان : من حق است از نظر حق تعالی ^{چون} این تا به این منم و در ترجیح بدیم در حق

حاکمیت حق فرستیم - دل ای دل ای که من منم است آن است در هر سال اول است

معن آن کمال در حق است - در حق رسید - ما به جاک این اسم را اولاً در هر دو نام در دنیا

به آن تا من منم و باید از آن است که کرد - ما به جاک در هر دو طرف

از سر و شرف ما است در دین و شرف آنرا اصلاح کرد

در جارق : من نگارنیها دم و نتا درام که در آن نفس شکر منم : « برقرار حاکمیت در دنیا

استدلال مردم است « انوار این است » دست است در دنیا و استدلال است

که اراده واحد علیه ما کرد - ما به جاک است

در جارق : وقتا از صالح صحبت میکند - وقتا این صالح را از او و منافع مردم هم در جمع

مدفوع ما به جاک در دنیا مردم را دست تر قاص طراح است - اسرار ما به جاک است

تداوم مردم را در هر جا صحبت کند

نداید فقط ~~ساده~~ سماج ساز را در رابط با جنبهٔ سبب قرار دارد. ما باید بر آنم درینها

نایب آئینده بی راد فکرت دوست است بسیار مردم بپریم. سفار دست استعدای، اوروش

صفت را بمنزلهٔ تبلیغ نموده حاکمیت استوار است و فتنه بر مردم قاسم هفتم بر است

من است برای کار و کسب فکر کنیم و اعتماد داریم که با آنها هم با هم میبندیم و سستی را بر سر

ما نباید از حد بترسیم. آنگاه که ما در این دنیا هم میمانیم و اولتر فراموش

تذکره: در معیبه: باید نگاه کرد که این به وقت رنج راز است و رأی است خرابی که در توان بر وجهی که در صبح

ساعات - تر میماند که هوای حل کند - اندر هتیه را خوام نگاه ~~بوی~~ بوی هتیه است

که خوشتر حل کند. البته بوی تر از طبع برین او صبر است

در صحت: فراموش کن که مریض ~~کوف~~ کوفت و تقسیم زنده شود

زنگ کردت چیز - که از او جدا می شود

تعمیر آنرا در فراموشی ~~۱۱~~ ۱۱ صبح اولی است

۱۱/۲۰
صفر حلیه